

نامه دانشجویان دانشگاه تهران به جمعیت در ارتباط با حمله های عمال رژیم به خوابگاه و ضرب و شتم و اخراج دانشجویان از کوی دانشگاه

خرداد ماه ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحيم

جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر

با احترام

در این زمان که هیچ گوشی به سخن ما و هیچ مقامی به فریاد ما پاسخ نمیگوید، در بحرانی که همه دست در دست هم و با توطئه های از پیش ساخته و پشت پرده برای استیصال ما بپا خاسته اند، سرگردانیم که فریاد درد خود را به گوش چه مقامی و به عرض چه مرجعی برسانیم؟ و از آنجا که در این مرز و بوم هیچ مرجعی و هیچ مقامی را به صلاح ندانسته و به رسمیت نمی شناسیم، ما دانشجویان دانشگاه تهران بنا بر اعتمادی که به آن مرجع محترم داریم و خدمات دفاعی اعضای آنرا پیوسته از حقوق ملت مظلوم به چشم دیده و بگوش شنیده ایم صلاح بر آن دیدیم که پیش آن مرجع عرض حال نمائیم. اینک به اجمال آن مرجع محترم را از جریانات عینی و واقعی یکسال تحصیلی دانشگاه تهران باخبر میسازیم.

هنوز در آغاز سال تحصیلی قدم به دانشگاه نهاده بودیم که دریافتیم انجمن های دانشجویی، کتابخانه های دانشجویی، فعالیتهای ورزشی و خدمات دانشجویی اعم از کوهنوردی و سازمان تعاونی نظارت بر امور غذائی و غیره در طی تعطیلات تابستانی توسط عوامل ساواک " که دخالت عوامل مذکور را مقامات دانشگاهی نیز تایید مینمایند " تعطیل گردیده، و درها شکسته شده، و اموال آنها به غارت رفته و کتابها را ضبط کرده اند " طبق آمارى حدود ۱۰ هزار جلد کتاب از کتابخانه های دانشجویان دانشگاه تهران به غارت رفته است ". متعاقب این امر دانشجویان به مسئولین دانشکده ها مراجعه کرده ولی جوابی نشنیدند جو فشار و اختناق را به حدی بالا بردند که حتی تبریک هائی که برای ورود دانشجویان سال اول نصب میشد، میکندند و پاره میگردند. کارشکنی ها به طرز بی سابقه ای همراه با حملات وحشیانه گارد دانشگاه و پلیس به دانشجویان ادامه یافت تا جائی که در محوطه دانشگاه امنیت طبیعی که ضروری بقای هر انسانی است، از ما دانشجویان سلب شد، بطور ناگهانی مورد ضرب و شتم و حمله گارد واقع میشدیم و حتی هنگام صرف غذا که حیوانات را هم آزاد میگذارند، تا با آرامش تغذیه کنند، ما مورد هجوم واقع میشدیم، در مسجدکه محیط مقدس بشری و مکان صلح و امنیت عمومی " ادخلوها بسلام آمین " است، ما از حمله پلیس درامان نبوده ایم.

سرانجام این همه حملات و دسیسه های ضد دانشجویی منجر به انحلال ترم اول دانشگاه شد و بدنبال آن بدون کسب نظر از کادر آموزشی و برخلاف رضایت اساتید دانشگاه " که منجر به شکایت بعضی از اساتید از معاون آموزشی دانشگاه شد "، درکارنامه دانشجویان نمره (ه) منظور شد و پس از آن بنا بر نقشه های از پیش طرح شده کمک هزینه های دانشجویی که تنها قوت لایموت دانشجویان بود، قطع گردید، و تعداد زیادی از دانشجویان را بعنوان مشروط و محل نظم از دانشگاه اخراج کردند!

دانشجویان با همکاری اساتید در دانشکده ها به تشکیل جلسه هائی برای بحث پیرامون استیفای حقوق از دست رفته، گردهم جمع شدند، ولی هر بار با هجوم وحشیانه پلیس به درون دانشکده ها و حتی کلاسها " که تعداد زیادی از دانشجویان و حتی اساتید نیز مضروب شدند "، مواجه شدند.

مساله فشار و حمله به بیرون دانشگاه هم کشیده شد و چند بار در کوهها به دانشجویان حمله شد. و متعاقب آن عده ای مجروح و بسیاری نیز دستگیر شدند.

این حملات چند بار در کوههای شمال تهران بوسیله هلیکوپتر و کماندوهای مسلح ارتشی و ژاندارمهای چماق و چوب و... بدست (که خبر آن توسط خبرگزاریهای بین المللی نیز مخابره گردید) صورت گرفت. در اردیبهشت ماه امسال که دانشجویان تصمیم گرفتند برای مذاکره و نظرخواهی از مسئول دانشگاه، در محوطه چمن دانشگاه جمع شوند ناگاه با توطئه ای از پیش ساخته مواجه شدند. هنگامیکه در حدود هزار نفر در چمن گرد آمده و دیگران هم تدریجاً داخل چمن میشدند و استقرار می یافتند، ناگهان اتومبیلی تحت الحفظ و بظاهر شخصی داخل محوطه دانشگاه شد و در حالیکه پرچم ب آن نصب شده بود شروع به شعار دادن کرد، به محض ورود اتومبیل، پلیس که از قبل آماده بود، به دانشجویان حمله برد و با کمک گارد مستقر در اطراف دانشگاه، اجتماع قانونی دانشجویان را بر هم زد، دانشجویان را به خیابان ریختند، در تمام خیابانهای اطراف دانشگاه به تعقیب آنان پرداختند، پس از چندی چند کامیون ارتشی مسلح برای نمایش قدرت در خیابان شاهرضا به حرکت درآمد. امروز همه را از دانشگاه به فشار بیرون کردند و درها را بستند.

سرانجام این دسایس به داخل منزل دانشجویان در کوی دانشگاه " امیرآباد " هم کشیده شد. انتقال دختران به داخل کوی پسران (لازم است متذکر شویم که علت مقاومت و مخالفت شدید در برابر این عمل اطلاع از توطئه شوم و حساب شده ای بود که میخواست بوسیله عواملی در سایه این اختلاط در خوابگاه اشاعه فساد نماید)، نامساعد بودن شرایط غذایی، فشار شدید پلیسی در محوطه کوی، باعث شد که دانشجویان به اعتراض برخیزند، ولی این امر گذشته از آنکه سودی نبخشید، فشار پلیسی را روز بروز زیادتر کرد، بالاخره منجر به حمله وحشیانه و کشتار بی سابقه پلیسی روزهای پنجشنبه ۱۱ و جمعه ۱۲ خرداد شد.

جریان از این قرار بود که پس از حمله به دانشجویان دختر ساکن کوی و تهدید آنان بوسیله پلیس، قرار بر آن گذاشته میشود که دانشجویان برای مذاکره در دفتر سرپرستی کوی جمع شوند، اینبار با حمله پلیس " گارد دانشگاه ملی، گارد دانشگاه تهران و پلیس تهران " و با یورشهای پیاپی، و در آخر با حمایت ارتش و با استفاده از گاز اشک آور و تیر اندازی با سلاحهای سبک و سنگین، بی نتیجه بیابان میرسد، سپس با شکستن درب اتاقها بطور وحشیانه ای به ساکنین اتاقها حمله میکنند، اموال دانشجویان را خرد و زیر و رو مینمایند و اموالی " پول و ساعت و... " را نیز به غارت میبرند، و کوی دانشگاه را به ویرانه ای تبدیل میکنند، و شبانگاه ساعت یازده و نیم " ساختگی " همه دانشجویان دختر و پسر ساکن کوی را بیرون میکنند. در آن شب اغلب دانشجویان دختر و پسر " همه ساکنین کوی شهرستانی هستند و جایی برای اقامت که حق طبیعی هر موجود ذی حیاتی است ندارند " در کنار خیابانها و پارکها میخوابند، فردای آنروز با تخلیه اجباری همه را از کوی بیرون کرده و درها را می بندند، در این حمله که بیش از سه هزار دانشجوی دختر و پسر ساکن کوی مورد هجوم بوده اند، تعداد زخمیها بر طبق تحقیقاتی که تاکنون انجام گرفته حدود ۳۵۰ نفر میباشد که دست و پای تعدادی از آنها قطع شده است. تعدادی گرفتار، و عده ای مفقود الاثر شده و فعلاً خبری از آنها در دست نیست و بعید نیست که از میان رفته باشند، پس از این آوارگی درهای دانشگاه را هم تا یک هفته به روی ما دانشجویان بستند و اکنون هم ما را جز در جلسه امتحان به درون دانشگاه راه نمیدهند.

اینک پس از تقدیم این گزارش مختصر، استدعا داریم، که صدای مظلومیت ما را بگوش هر که انسان است، و درد انسانی دارد، رسانده و مجامع ذی صلاح بین المللی چون " یونسکو و... " را از حال ما باخبر سازید. باشد که دیگر نتوانند پس از این همه خفقان و فشار و حمله و کشتار و شکنجه، در وسایل ارتباط جمعی شان، هر گونه که میخواهند، ما را معرفی کنند. با تقدیم احترام و به امید بذل توجه فوری و شایسته

دانشجویان دانشگاه تهران

رونوشت جهت اطلاع به کانون وکلا ارسال گردید.